یادداشت

چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنعت برق و گذار از آن

مهدی عرب‌صادق، کارشناس انرژی: صنعت برق ایران در آستانه یک بحران تاریخی قرار دارد؛ بحرانی عمیق که ریشه در لایه‌های پیچیده‌ای از سوءمدیریت سیستماتیک، برنامه‌ریزی‌های نادرست و فساد ساختاریافته دارد. این بحران تصادفی نبوده، بلکه نتیجه طبیعی سال‌ها بی‌توجهی به هشدارهای مکرر کارشناسان و نهادهای نظارتی است. ارقام و آمارهای موجود پرده از واقعیتی تلخ برمی‌دارد که هر یک به تنهایی می‌تواند زنگ خطر را برای کل نظام اقتصادی کشور به صدا درآورد. زیان انباشته صنعت برق که به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان رسیده، معادل ۲.۱ سال بودجه کامل وزارت نیرو است و این یعنی هر سال بخش قابل توجهی از منابع مالی کشور صرف جبران کسری این صنعت می‌شود. بدهی‌های انباشته این صنعت نیز از مرز ۲۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته که ۴۵ درصد آن مربوط به بدهی صنایع انرژی‌بر است. این صنایع که طبق قانون موظف بودند نیروگاه‌های اختصاصی احداث کنند، به تعهدات خود عمل نکرده‌اند و حالا با بدهی ۶۰ هزار میلیارد تومانی، یکی از اصلی‌ترین عوامل فشار بر شبکه برق کشور محسوب می‌شوند. سیستم تعرفه‌گذاری فعلی که باید موتور محرکه توسعه صنعت برق باشد، تبدیل به اصلی‌ترین عامل بحران شده است. قیمت تمام‌شده تولید هر کیلووات ساعت برق که به هشت‌هزارو ۲۰۰ تومان رسیده، در مقابل متوسط قیمت فروش به مشترکان خانگی که تنها ۵۲۰ تومان است، نشان‌دهنده یک شکاف ساختاری عمیق است. این اختلاف فاحش که منجر به زیان هفت‌هزارو ۶۸۰ تومانی به ازای هر کیلووات ساعت می‌شود، سالانه ۱۲۷ هزار میلیارد تومان به صنعت برق ضرر وارد می‌کند. چنین سیستم ناکارآمدی نه‌تنها هرگونه سرمایه‌گذاری جدید را غیرممکن کرده، بلکه بسیاری از نیروگاه‌های موجود را نیز به ورشکستگی کشانده است. موج خصوصی‌سازی‌های دهه ۸۰ که با شعار افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه‌گذاری آغاز شد، در عمل به فاجعه‌ای مدیریتی تبدیل شد. آمارها نشان می‌دهد ۶۸ درصد نیروگاه‌های واگذارشده به بخش خصوصی امروز با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت اسمی خود کار می‌کنند. نکته تأسف‌بار اینجاست که همین نیروگاه‌های کم‌بازده سالانه ۱۴ هزار میلیارد تومان بابت «هزینه آمادگی» دریافت می‌کنند، بدون آنکه تولید قابل توجهی داشته باشند. از سوی دیگر، ۴۲ درصد قراردادهای خرید تضمینی برق با تأخیر بیش از ۱۸ ماه در پرداخت مواجه هستند که خود نشان‌دهنده عمق بحران مالی و اعتباری صنعت برق است. این وضعیت باعث شده بسیاری از سرمایه‌گذاران واقعی یا ورشکست شوند یا از ادامه فعالیت منصرف شوند. بهره‌وری در صنعت برق ایران که باید یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه باشد، در سطح نگران‌کننده‌ای قرار دارد. راندمان متوسط نیروگاه‌های حرارتی که به ۳۷ درصد کاهش یافته، ۱۵ درصد کمتر از استانداردهای جهانی است و این یعنی اتلاف سالانه میلیاردها دلار سوخت. تلفات شبکه توزیع که به ۲۳.۷ درصد رسیده، ۲.۸ برابر متوسط جهانی است و نشان می‌دهد زیرساخت‌های فرسوده چه هزینه سنگینی بر دوش اقتصاد کشور تحمیل می‌کنند. شدت انرژی در ایران نیز که ۴.۲ برابر متوسط جهانی و ۳.۱ برابر کشورهای منطقه است، گویای الگوی نادرست مصرف و تولید انرژی در کشور است. این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که سیستم کنونی به جای حرکت به سمت بهینه‌سازی، هر روز ناکارآمدتر می‌شود و منابع ملی را هدر می‌دهد. مدیریت دیسپاچینگ که باید براساس معیارهای فنی و بهینه‌سازی اقتصادی صورت گیرد، در عمل به ابزاری برای توزیع رانت تبدیل شده است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، سیستم دیسپاچینگ کاملا شفاف و براساس الگوریتم‌های دقیق اقتصادی عمل می‌کند.

انرژی‌های تجدیدپذیر که می‌توانستند راه‌حلی برای بخشی از مشکلات باشند و ایران با توجه به پتانسیل بالای خورشیدی و بادی می‌توانست در این زمینه پیشتاز باشد، خود به بازیچه‌ای در دست همان شبکه ذی‌نفع تبدیل شده‌اند.

صنعت برق ایران نیازمند یک تحول اساسی در چند محور اصلی است که باید به صورت هماهنگ و سیستماتیک اجرا شوند. نخستین و فوری‌ترین اقدام، اصلاح ساختار تعرفه‌گذاری انرژی است که باید به صورت تدریجی اما قاطعانه به سمت قیمت‌های واقعی حرکت کند. در این مسیر، ایجاد مکانیسم‌های حمایتی هوشمند برای اقشار آسیب‌پذیر ضروری است تا بار اصلاحات به صورت عادلانه توزیع شود.

دومین اقدام ضروری که باید به موازات اصلاح تعرفه‌ها انجام شود، شفاف‌سازی کامل در مورد تمام قراردادهای نیروگاهی و عملکرد نیروگاه‌های واگذارشده است. سومین محور تحول، بازنگری اساسی در سیستم دیسپاچینگ ملی است که باید از یک نهاد وابسته به وزارت نیرو به یک سازمان مستقل با حضور نمایندگان واقعی بخش خصوصی، دانشگاهیان و نهادهای نظارتی تبدیل شود. این سازمان باید کاملا شفاف و براساس معیارهای فنی و اقتصادی، تصمیمات مربوط به توزیع برق را اتخاذ کند. ایجاد سیستم‌های نظارتی آنلاین امکان رصد لحظه‌ای عملکرد نیروگاه‌ها و توزیع برق را فراهم می‌کند.

چهارمین و شاید مهم‌ترین اقدام، مبارزه جدی با لابی‌های سوخت و واردات است که سال‌هاست با ایجاد کمبودهای مصنوعی، بازار را به سمتی که می‌خواهند هدایت می‌کنند. این مبارزه باید شامل نظارت دقیق بر سوخت نیروگاه‌ها، ممنوعیت واردات ژنراتورهای دیزلی غیرضروری و برخورد قاطع با کسانی باشد که به عمد باعث ایجاد خاموشی می‌شوند. نکته حائز اهمیت این است که تمام این اصلاحات باید در چارچوب یک برنامه جامع و با زمان‌بندی مشخص انجام شوند. تجربه نشان داده که اصلاحات جزئی و پراکنده نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است به تشدید بحران بینجامد. برنامه اصلاحی باید شامل مراحل کوتاه‌مدت (یک‌ساله)، میان‌مدت (سه‌ساله) و بلندمدت (پنج‌ساله) باشد و پیشرفت آن به صورت مستمر رصد شود.

اگر این اصلاحات به‌موقع و به‌درستی انجام نشود، صنعت برق ایران تا پنج سال آینده با بدهی ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی و خاموشی‌های روزانه هشت‌ساعته مواجه خواهد شد. این بحران دیگر یک مسئله فنی یا اقتصادی نیست، بلکه یک تهدید امنیت ملی است که می‌تواند تمام ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از طرف دیگر، ادامه وضع موجود به معنای هدررفت سالانه میلیاردها دلار از منابع ملی و ازدست‌رفتن فرصت‌های توسعه است.

بین‌النهرین در معرض نابودی و نیستی

«هورالعظیم»؛ وقتی باغ عدن می‌سوزد

مهدی افشارنیک

غروب‌های رُفیع، روستایی در نزدیکی هویزه، در مرز ایران و عراق، پرده‌ای از جهنم است. آن سوی مرز، در خاک عراق، هیولای آتش هورالعظیم شعله می‌کشد و دود و سیاهی‌اش به این سمت می‌آید؛ مصیبتی تازه بر مصائب هورالعظیم.

عکس: علیرضا محمدی/ایسنا

رحمان بوعذار می‌گوید: «عادت کرده‌ایم». به جهنم چگونه می‌شود عادت کرد؟ ترکیب آتش و غروب خورشید و سیاهی دود، رنگین‌کمانی از درد ساخته که در صدای رحمان موج می‌زند. این مرد زخمی است؛ زخمی بر قلبش، بر کلامش. حریف بغضش نمی‌شود. وقتی می‌خواهد از خودش بگوید، به داستان طفل خردسالش گریز می‌زند که با نارسایی قلبی زیر تیغ جراحی رفته است. پزشکان گفته‌اند کمبود اکسیژن عامل درد کودک بوده. این مرد گریه و ته حرفش هم سرفه‌ای شدید می‌کند. خودش هم گرفتار است، اما درد فرزند، درد خودش را بی‌معنا کرده. از این دست مردان اینجا بسیارند. روایت رحمان روایت یک نفر نیست؛ حتی یک روستا یا یک شهر هم نه؛ از خرمشهر و آبادان تا بستان و هویزه، از اهواز تا سوسنگرد، از بصره تا العماره تا کربلا همه درگیر هورالعظیم و هورالهویزه‌اند. آتش این روزها شعله‌ای ناگهانی نیست؛ میراث دهه‌ها بی‌تدبیری است. خشکی ناشی از سدسازی، توسعه نفتی و کشاورزی‌های بی‌حساب، همان آتشی است که امروز در نیزارهای هور زبانه می‌کشد. هور در واقع در آتش بی‌خردی می‌سوزد. اینجا بین‌النهرین، سرچشمه اولین تمدن بشری است. امروز اما این میراث کهن در معرض نیست‌شدن است.

پروژه گاپ و روایت وقتی که آب نیست

اگر پای درددل مردم هورنشین بنشینیم، همه می‌گویند «آب نیست». آتش این روزهای هور از سمت عراق هم از خشکی زمین و هواست. واقعا آب نیست؟ ماجرا کمبود آب نیست. شاید آب باشد، اما بیشتر یک نگاه انحصارطلب و به سیاست کشاندن آب در میان است. هورالعظیم در دهه‌های اخیر قربانی تصمیم‌هایی شده که هرکدام رگی از این تالاب بریده‌اند. اولین تیغ، سدسازی بود. در بالادست، چه ایران، چه عراق و چه ترکیه اما بیشتر از همه ترکیه که با پروژه عظیم گاپ روی دجله و فرات مخازنی ساخته که حجم‌شان حتی از آورد سالانه این رودها بیشتر است؛ یعنی آب را گروگان گرفته است تا عراق و ایران برای هر قطره وابسته بمانند. در پایین‌دست، عراق و سوریه هم سهم خود را با سد و انحراف جریان آب برداشتند. در ایران نیز سد کرخه در سال ۱۳۸۰ آبگیری شد و ضربه‌ای جدی زد. حقابه زیست‌محیطی تالاب را فقط یک‌میلیاردو ۴۰۰ میلیون مترمکعب در سال تعیین کردند؛ رقمی که در برابر آورد شش میلیارد مترمکعبی کرخه، برکه‌ای بیش نیست. ضمن اینکه ۱۰ سال بعد، با ساخت دایک مرزی، بخش ایرانی از عراق جدا شد و کرخه به تنها شریان هور ایرانی بدل شد. بدتر از آن جریان طبیعی مهندسی آب تالاب را دستکاری کردیم و هور پاره‌پاره شد.

مصوبه مسئله‌دار شورای امنیت ملی

اما سدها فقط نیمه ماجرا هستند. نیمه دیگر در دل تالاب رخ داد: نفت. توسعه میادین آزادگان، یاران در ایران و مجنون در عراق، جاده‌ها و خاکریزهایی ساخت که هور را به پنج مخزن تکه‌تکه کرد. لایه‌های نفتی روی سطح آب، نشت هیدروکربن‌ها و فلزات سنگین و آلودگی‌های صنعتی آن‌قدر گسترده است که کارشناسان می‌گویند بخش ایرانی هور بیش از تشنگی، از آلودگی می‌میرد. آن سوی مرز، در هورالهویزه، تالاب بیشتر از شوری و افت اکسیژن محلول رنج می‌برد. احمدرضا لاهیجان‌زاده، معاون پیشین محیط زیست دریایی اما فاش کرد شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۹ یک مجوز مسئله‌دار صادر کرد که شرکت نفتی چینی بخشی از هور را خشک کند. ژاپنی‌ها پیشنهاد داده بودند با فناوری پیشرفته، بدون آسیب به تالاب، بهره‌برداری کنند. اما چینی‌ها به خاطر هزینه کمتر پیشنهاد «خشکاندن تالاب» را دادند و به خاطر نیاز ایران به همراهی چین در شورای امنیت و نزاع هسته‌ای این گزینه تأیید شد. یک واقعیت دیگر هم این است که عراقی‌ها پیش از ایران پای نفت را به دل هور باز کردند. میدان مجنون در دهه ۱۹۷۰ به بهره‌برداری رسید و درست در قلب نیزارها جاده و خاکریز کشیده شد. در دهه ۱۹۸۰ هم‌زمان با جنگ، حفاری در هورالحمار و هورالهویزه شدت گرفت. این توسعه بی‌ضابطه همان پیامدی را داشت که بعدها در آزادگان و یاران ایرانی دیدیم؛ تخریب زیستگاه، آلودگی و مرگ هزاران ماهی و پرنده و... . تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد بخش‌هایی از هورالهویزه که محل چاه‌های نفتی بودند، سریع‌تر خشک شدند. امروز هم بسیاری از تالاب‌نشینان عراق می‌گویند نه‌فقط سدهای ترکیه و بستن کرخه در ایران، بلکه همین چاه‌های مجنون و هورالحمار زندگی‌شان را نابود کرده‌اند. مردم در العماره عراق بیشتر از هرکسی پیامدهای این نوع توسعه را درک می‌کنند. شهری در مجاورت هور و عاصی از قهر طبیعت. چه روزهای متمادی العماره غبارهای شدیدی دارد و چه غم‌هایی مردم دارند از آب‌رفتن روزبه‌روز دجله که از میانه شهر می‌گذرد.

بحرانی به اندازه همه بحران‌ها

نحیف‌شدن هور چه در ایران و چه عراق درست در روزگاری رخ داد که تغییر اقلیم بارش‌ها را کم و تبخیر را بیشتر کرده است. امروز، براساس آمار رسمی، بیش از ۶۷ درصد آب هورالعظیم از دست رفته است؛ مساحت مناطق پرآب از ۳۰۷ هزار هکتار در گذشته به حدود ۱۰۲ هزار هکتار رسیده. هرچند روایت‌ها متفاوت است. دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید مساحت هور از ۱۲۴ هزار به ۶۰ هزار هکتار کاهش یافته است. ناسا گزارش داده پهنه آبی هور ایرانی از ۶۴ هزار هکتار در دهه ۱۹۷۰ به کمتر از ۳۰ هزار هکتار در سال ۲۰۰۰ سقوط کرده است. یک مطالعه آمریکایی (USACE) هم دو سناریو ارائه می‌دهد: از ۳۲۷ هزار هکتار تا ۱۶۱ هزار هکتار. اینکه دقیقا هور کجا بوده و امروز کجاست، محل مناقشه است؛ اما نکته مهم تفاوت عددها نیست، بلکه حقیقتی است که همه آنها تأیید می‌کنند: بیش از نیمی از هورالعظیم نابود شده است.

باز همان دعوای تکراری؛ مقصر کیست؟

هر وقت بحث هورالعظیم پیش می‌آید، نزاع سر مقصر بالا می‌گیرد؛ ایران، عراق یا ترکیه؟ در داخل ایران هم دعوا میان وزارت نیرو و وزارت نفت ادامه دارد. فعالان محیط زیست می‌گویند توسعه نفتی بی‌ضابطه تالاب را تکه‌تکه کرده و با نشت مواد هیدروکربنی نفسش را گرفته است. در آن سو، وزارت نیرو همواره تأکید کرده کرخه فقط ۱۰ درصد در تأمین آب هور نقش دارد و اولویت با کشاورزی و آب شرب است. حقابه‌ای که برای تالاب تصویب شد -یک میلیاردو ۴۰۰ میلیون مترمکعب- روی کاغذ ماند. نیرویی‌ها می‌گویند شرب اهواز و خوزستان از گاومیش‌های هور مهم‌تر است. فعالانی مثل محمد درویش بارها گفته‌اند «این حقابه هیچ‌وقت کامل رهاسازی نشده است و عدم توجه به زیست طبیعی هورالعظیم تبعات سنگینی بر زیست آتی خوزستان دارد». هشدارهایی که امروز دیگر لباس واقعیت به تن کرده‌اند. تحقیقات عباس محمدی نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۰ به بعد، حتی در سیلاب‌های بزرگ هم آبی از کرخه به هور نرسید که نتیجه همان مهار سیلاب در سد بود. اما وزارت نیرو همچنان می‌گوید مسئولیتش تأمین نان و آب مردم است، نه حفظ تالاب.

آتش بر هور و استیصال مردم

هورالهویزه در عراق ادامه طبیعی هورالعظیم است، اما سرنوشتش با سیاست‌های بغداد گره خورده است. اوایل دهه ۹۰ میلادی، صدام حسین برای تنبیه شیعیان جنوب دستور داد آب تالاب‌ها را منحرف کنند و آنها را عمدا خشکاند. هزاران خانواده عرب تالاب‌نشین مجبور به کوچ شدند و روستاها و نیزارها سوختند. بعد از سقوط صدام در ۲۰۰۳، فعالان محیط زیست و سازمان‌های بین‌المللی کوشیدند تالاب را احیا کنند. بخشی دوباره جان گرفت و حتی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. اما سدهای ترکیه، خشکسالی و سوءمدیریت داخلی دوباره همه چیز را نیمه‌کاره گذاشت. امروز تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد آب طبیعی گذشته در هورهای جنوبی عراق جریان دارد و بخش بزرگی از هورالحمار و هورالهویزه به زمین‌های نمکی بدل شده است. به این بحران، ناامنی و حضور گروه‌های مسلح هم اضافه شد. در سال‌های اخیر بخشی از تالاب به محل درگیری تبدیل شده و نبود نظارت دولتی راه را برای صید بی‌رویه و برداشت بی‌ضابطه باز گذاشته است. پژوهش‌ها می‌گویند بیش از شوری و تبخیر، «جنگ و سیاست» زندگی تالاب در عراق را نابود کرده است.

کشاورزی و تغییر اقلیم؛ فشار مضاعف

تحقیقات نشان می‌دهد از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۵ بیش از ۱۵۰ هزار هکتار از تالاب‌های عراق از بین رفت. بعد از سقوط صدام، حدود ۵۰ تا ۷۵ درصد دوباره احیا شدند، اما روند خشک‌سالی و سدسازی‌های جدید دوباره آن را عقب راندند. امروز تنها حدود ۵۸ درصد از وسعت پیشین زیر آب است. در خوزستان و جنوب عراق، کشاورزی سنتی هم فشار مضاعف ایجاد کرده است. برنج‌کاری، نخلستان‌ها و آبیاری سیلابی مستقیم از رودخانه‌ها و تالاب تغذیه می‌شدند. اما با کاهش ورودی آب و مصرف بی‌رویه، فشار بر هور بیشتر شد. پس از صدام، هزاران هکتار از بستر خشک‌شده تالاب به زمین کشاورزی تبدیل شد؛ زمین‌هایی که شور شدند و بیابان‌زایی را سرعت بخشیدند. هم‌زمان بارش‌ها کاهش یافت، تابستان‌ها داغ‌تر شد و تبخیر شدت گرفت. به گفته نسترن مرزبان‌پناه و براساس داده‌های ناسا و UNEP، در دو دهه اخیر دمای جنوب عراق و خوزستان به‌شدت بالا رفته و همین عامل، خشکی تالاب را تشدید کرده است. حتی اگر سدها و نفت نبودند، تغییر اقلیم به‌تنهایی می‌توانست تالاب را به بحران بکشاند. این پژوهش تخمین زده ورودی آب به عراق در آینده نزدیک ممکن است تا ۸۰ درصد کاهش یابد.

دریاچه‌سازی و کانال‌های مصنوعی

بخش دیگری از ماجرا، سیاست‌های آبی بغداد است. از دهه ۱۹۷۰، دولت عراق به جای بازگرداندن آب به تالاب‌ها، سدها و دریاچه‌هایی مصنوعی ساخت؛ ثرثار، رزازه و حبانیه نمونه‌های شناخته‌شده‌اند. آب دجله و فرات به این مخازن منتقل شد و زیر آفتاب تبخیر شد. در دهه ۹۰، صدام «نهر صدام» را حفر کرد تا آب دجله را دور از تالاب‌ها، مستقیم به شط‌العرب و خلیج فارس ببرد. هدف روشن بود: خشکاندن هورها و آواره‌کردن مردمان شیعیان جنوب. یونسکو گزارش می‌دهد همین اقدام باعث شد ۹۰ درصد تالاب‌های میان‌رودان در یک دهه نابود شود.

ایران؛ متهم افکار عمومی عراق

خشکی هور تنها یک بحران محیط‌زیستی نیست؛ زخمی سیاسی هم هست. در بغداد، هر بار که سطح آب پایین می‌آید، انگشت اتهام به سمت ایران و ترکیه گرفته می‌شود. ترکیه به خاطر پروژه‌های گاپ و ایلیسو که دجله و فرات را گروگان گرفته‌اند و ایران به خاطر سد کرخه و دایک مرزی که بخش ایرانی هور را از بخش عراقی جدا کرد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

ما کاشف کوچه‌های بن‌بستیم

ادامه از صفحه اول

در چنین شرایطی پرسش اساسی این است که ایران تحت چه سیاست و تدبیر و برنامه و روش خردمندانه‌ای می‌تواند از حوزه خطرات پیش‌گفته دور شود و کشور را از تهدید و تجاوز و تحریم‌های جدید و دوباره مصون دارد و استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت و امنیت ملی ایران را تضمین کند؟ پاسخ به این پرسش با توجه به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی چند موضوع و محور، اقتضا می‌کند که از تمام ظرفیت و توان ملی برای رسیدن به اجماع همگانی و یک راهبرد و سیاست و تدبیر و برنامه مؤثر، مفید، کارآمد و عملی بهره‌گیری شود. برای این منظور:

۱- شخص رئیس‌جمهور باید به فوریت با تشکیل کمیته‌ای متشکل از صاحب‌نظران مجرب و دلسوز و با دانش و ایده دولتی و غیردولتی، ابعاد و وجوه مختلف و خطرساز بحران را بررسی و نتیجه آن را در قالب یک پیشنهاد رسمی و در تعامل با حاکمیت به تأیید و تصویب برساند و آن را به مرحله اجرا بگذارد. در چنین کمیته‌ای می‌توان از مشورت شخصیت‌هایی مانند حسن روحانی، سیدمحمد خاتمی، حسین موسویان، محمدجواد ظریف، علی لاریجانی، کمال خرازی و... و دیگر چهره‌ها و دیپلمات‌های برجسته و حتی مشاوران امین ملی و بین‌المللی و احزاب و نهادها و اندیشکده‌ها بهره برد.

۲- برای پیشبرد تصمیمات و سیاست‌های اتخاذی کمیته یادشده باید به جدیت از اعمال نفوذ افراد و سیاست‌هایی که ایران را به این موقعیت خطرناک کشانده‌اند، جلوگیری کرد و اجازه ندهند که فاجعه تصمیمات مخرب و ایران‌سوز آنها تکرار شود که به قول گروس عبدالملکیان، شاعر برجسته و نوپرداز ایران، هنر این بانیان تحریم، رساندن ایران به کوچه‌های بن‌بست است (ما کاشف کوچه‌های بن‌بستیم) که نه‌تنها راه نمی‌گشایند، بلکه در مسدودسازی مسیر و به بن‌بست رساندن کشور مهارت ویژه‌ای دارند.

۳- نقش صداوسیما در تأیید یا تخریب سیاست‌های دولت مبنی بر لزوم مذاکره و گفت‌وگو برای برون‌رفت کشور از بحران‌های پیش‌رو، بسیار مهم و حیاتی است که باید دولت برای آنها تعیین تکلیف کند. ضروری است که این موضوع در تعامل با حاکمیت حل‌وفصل و این رسانه مهم و ملی در مسیر خواست عمومی و سیاست‌های کلان متحده از سوی دولت قرار گیرد. متأسفانه رویه اخیر صداوسیما نشان‌دهنده اقدامات مغایر با منافع و همبستگی ملی است.

و کلام آخر اینکه دولت باید تمام اهتمام خود را به کار ببندد تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل و فعال‌شدن مکانیسم ماشه پیشگیری کند. مذاکره و گفت‌وگوی هوشمندانه و جابه‌جایی موقت و تاکتیکی برخی از رویکردها همراه با تدابیر جدید شورای عالی امنیت ملی می‌تواند در این مسیر به دولت کمک کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران مناقصه عمومی
یک مرحله ای شماره AR04/34 تحت عنوان:
بهره برداری و نگهداری از سیستم تصفیه پساب پالایشگاه(RO)

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
(سهامی عام)

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد خدمات موضوع صدرالاشاره را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای مطابق اسناد مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. شرکتهای متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه ذیل به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند به آدرس WWW.IKORC.IR مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :
الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مدت	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	AR04/34	بهره برداری و نگهداری از سیستم تصفیه پساب پالایشگاه(RO)	۱۲ ماه	۵،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی / واریز وجه نقد
ج) شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
د)متقاضیان بایستی دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری و صلاحیت ایمنی معتبر از مراجع ذیربط باشند.
۲- کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه صدرالاشاره مطابق تاریخ های ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و در مهلت مقرر به آدرس ذیل آگهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرردر فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکتهای واجد شرایط تایید شده جهت ادامه فرآیند مناقصات دعوت به عمل خواهد آمد.
۳- مهلت ارسال تقاضا (اعلام آمادگی)و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:
۳-۱- مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۰
۳-۲- آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی : روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۷
۳-۳- تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متعاقبا اعلام می گردد.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند واقع دراستان مرکزی- اراک- کیلومتر۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی- طبقه دوم- امور حقوقی و پیمانها شماره تلفن۳۳۴۹۱۰۹۶-۰۸۶شماره نمابرها۳۴۱۶۶۷۰۱-۰۸۶ و ۳۴۱۶۶۰۸۴-۰۸۶

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند

وزارت راه و شهرسازی
شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران
اداره کل فرودگاه بین المللی مهر آباد

مناقصه عمومی ۹-۶-۴۰۴-۱۰۰-MA-T (یک مرحله ای یکپارچه همراه با ارزیابی کیفی)
نوبت دوم

۱ – موضوع مناقصه: خرید چراغ های سنترلاین باند ۲۹ چپ فرودگاه بین المللی مهر آباد- نوبت دوم از طریق اشخاص حقوقی واجد شرایط
۲ – مهلت فروش اسناد: از دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۹
۳ – نحوه دریافت اسناد: بمنظور دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه شود.
۴ – آخرین مهلت ارسال پیشنهادات در سایت: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ ساعت ۰۸:۰۰ صبح می باشد.
۵ – زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ ساعت ۰۹:۰۰ صبح می باشد.
۶ – مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۸.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
۷ – صلاحیت متقاضیان: تولید کنندگان یا تامین کننده دارای نمایندگی انحصاری و گواهینامه معتبر مطابق با کلیه تجهیزات موضوع شرایط اختصاصی با استانداردهای ملی و بین المللی و تطابق آن با استانداردهای : EASA، IEC، ICAO، FAA ، همچنین شناسه ملی ، کداقتصادی، روزنامه رسمی ، اساسنامه ، آخرین تغییرات شرکت را داشته باشند.

شناسه آگهی ۱۹۸۶۶۶۰ م الف ۱۹۱۴
اداره کل فرودگاه بین المللی مهر آباد